مـــردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

در باره مناسبات اتحاد شوروی با مصر و دورنمای آن

خبرنگار روزنامه عراقی «الفکرالجدید» مصاحبه ای با محمد حسنین هیکل ، سر دبیر پیشین روزنامه مصری «الاهرام» و وزیر پیشین وزارت اطلاعات مصر ، در باره روابط اتحاد شوروی با مصر و دورنمای آن بعمل آورده است که از لحاظ اهمیتی کـه دارد ، خلاصه ای از آن را به اطلاع خوانندگان عزیز میرسانیم .

حسنین هیکل در این مصاحبه به تاریخچه برقراری روابط دوستانه و همکاری میان مصر و اتحاد شوروی اشاره کرده، مراحل مختلف این روابط را مورد تحلیل قرار میدهد و با تشریح خصلت این روابط نقش مثبت و موثری را کـه پشتیبانی و کمکهای همه جانبه اتحاد شوروی در امراستحکام مبانی استقلال جمهوری نوبنیاد مصر و بطور کلی تقویت جنبش استقلال طلبانه و ضد امپریالیستی خلقهای عرب ایفاء کرده و میکند تأیید مینماید .

هیکل از جمله خاطرنشان میکند پس از تثبیت رژیم جدید در مصر (پس از انقلاب ۱۹۵۲) این واقعیت از جانب اتحاد شوروی با نظر مثبت تلقی شد و روابط اتحاد شوروی با مصر مورد ارزیابی نوینی قرار گرفت . این روابط متناسب با آنکه خصلت ملی و ضد امپریالیستی رژیم مصر، مشخص‌تر و آشکارتر گردید توسعه و استحکام بیشتری یافت .

در آن دوره مسئله ساختمان سد آسوان در برابر جمهوری مصرمطرح بود . ایالات متحده‌امریکا در نظر داشت که با دادن اعتبار و شرکت در سرمایه گذاری برای ساختمان این سد از نوسلطه‌خود را بویژه در زمینه صدور تسلیحات برای ارتش بـه مصر تحمیل کند . اما پس از اینکه فروش تسلیحات امریکائی برای ارتش مصر به نتیجه‌ای نرسید و پرزیدنت ناصر قرارداد خرید اسلحه از اتحاد شوروی را فسخ نکرد ، بلافاصله ایالات متحده امریکا پیشنهاد خود را در باره شرکت درسرمایه گذاری ودادن‌اعتبار برای ساختمان سد آسوان پس گرفت . پرزیدنت ناصر تصمیم گرفت شرکت کانال سوئز را ملی کند که پی‌آمد آن تجاوز سه جانبه انگلستان ، فرانسه و اسرائیل در سال ۱۹۵۶ بود . این عوامل خصلت ضد امپریالیستی رژیم مصر را تثبیت نمود . «جنگ سوئز» درعین حال محتوی اجتماعی واقعیت زندگـی مصر در آن دوره را روشن‌تر نمود . پرزیدنت ناصر پیش از این حوادث‌هم در این باره میاندیشید که مصر متعلق به‌کیست . پس از جنگ سال ۱۹۵۶ خطوط ضد امپریالیستی و مخالفت با پیمانهای نظامی امپریالیستی در سیاست مصر کاملا مشخص و آشکار ترسیم شد و درعین حال حسن نیت و نظر مثبت نسبت به اتحاد شوروی بیشتر گردید . با اتحاد شوروی مـوافقت نامه‌هـائی در مـورد تسلیحات و ساختمان سد آسوان امضاء شد .

حسنین هیکل در پاسخ پرسش خبرنگار درمورد اینکه آیا از جانب رهبران شوروی کـوششهائی برای بررسی و بحث پیرامون امورداخلی مصر واعمال تأثیر بر رهبری سیاسی مصر مشاهده میشد ، اظهار میدارد : من

دنباله در صفحه ۲

پیـــام

کمیته مرکزی حزب توده ایران به کارگران و زحمتکشان ایران

بمناسبت اول مـاه مـــه

رفقـای کارگـر ، بـرادران زحـمتکش
تا !
کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت روز
مه ـ روز همبستگـی رزمی همه کارگـران و
ان جهان بشما کارگران و زحمتکشان ایـران
گوید .
برادران عزیز !
تنها وتنها با اتحاد ، سازمان دهی و مبارزه برای
منفی وآزادیهای دمو کراتیک‌میتوانیدبه‌خواستهای
د برسید !
امسال هم باز شما مجبور هستید روز اول ماه‌مه،
ستگی کارگران و زحمتکشان جهان را در
خنناق سیاهی که رژیم غارتگر و ضد ملی‌شاه
رما تحمیل کـرده است ، بگذرانید . در این
خش عـظیمی از جهان ـ در کشورهـای سوسیا
که طبقه کارگر بـا تکیه به همکاری سایر
ان قـدرت دولتی را بدست گرفته است ،
و سرور راستین خلـق برپاست . کارگران و
ان ، در پیشاپیش همه خلق ، پیروزیهای بدست
جشن میگیرند و خود را بـرای پیشرفت‌هـای
شتر در راه بهتر کـردن زندگی مادی و بـالا
طح فرهنگ اجتماعی آماده میسازند و تعهدات
یشتری را برای همدردی و کمـك به برادران
زحمتکش خود در سایر کشورها متقبل میشوند.
در یـك رشته از کشورهای آسیـا و آفـریقا و
لاتین که رژیمهای خلقی‌باتکیه به جبهه‌متحد
و سایرزحمتکشان شهر و ده قدرت دولتی را
گرفته ، زالوهای امپریالیستی را از پیکر خود
بدورانداخته و در راه پیشرفت اجتماعی بسمت
ه سوی سوسیالیسم گام برمیدارند، روز اول ماه
ز جشن و سروربرای پیروزیهای بدست آمده ،
حکیم صفوف نبـرد علیه امپریالیسم و دشمنان
به روز همبستگی با سایر خلقهائی کـه هنوز
ی اسارت ارتجاع داخلی وامپریالیسم جهـانی بر
پایشان است مبدل شده است .
در برخی از این کشورها همانطور که میدانیـد
ـ برای بار اول ویا بار دوم است که بطور
بر گزار میشود. تاهمین یکی دوسال پیش بود
کشورهائی مانند ویتنام جنوبی ، لائوس و کامبوج
، پرتغال ، یونان و اسپانیا در اروپـا و حبشه ،
، مـوزامبیك و گینه بیسائـو در افـریقا هنـوز
، فاشیستی نظیـر رژیـم ایـران تسلط مطلق
مبارزان تنها در زندانها ویـا در مخفی گاهها
درهای بسته خانه‌هـا در گروههای کـوچـك
ند روز اول ماه مه را یاد کنند ، ولی تغییرروز
پرشتاب نیروها در صحنه جهانی به سود کشور
سیالیستی و بزیان امپریالیسم موجب شده است
ش‌های آزادیبخش ملی وجنبش کارگری جهانی
ی فرسنگی به پیش روند و هر روزمواضع تازه‌ای
گال خونین امپریالیسم و ارتجاع خـودی در
در کشورهای سرمایه‌داری که طبقه کارگربـا
متحد و مبارزه پیگیر خود توانسته است یـك
ادیهای دمو کراتیك سیاسی را برای خود بگیرد
ری کند، روز اول ماه مه ، روز تظاهر نیرومند
تحد کارگـران و زحمتکشان ، روز اعلام دسته
واستهای طبقه کارگر برای بهبود شرایط زندگی
واعلام پایداری در برابر تجـاوزات روزافزون انحصارهای سرمایه‌داری است .

و اما در میهن رنجدیده و رنج کش ما ایـران و در کشور های فاشیستی و شبه فاشیستی نظیر آن مانند شیلی و اندونزی و برزیل و افریقای جنوبی ، در کشور هائیکه هنوز قـدرت دولتی در دست سیاهترین وخون آشامترین قشر طبقه حاکمه است ، روز اول ماه یا اصلا با سکـوت مرگبار برگـزار میشود و یا مثل ایران که پس از مدتها مقاومت از طرف محافل حاکمه به پذیرش آن مجبور شدند، بصورت یك صحنه سازی در آمده است که در آن شما کارگران و زحمتکشان را بزور وا میدارند برای رهبر غارتگـران و آدمکشان یعنی شاه نیایش کنید و در جلو پرده ای که در پس آن زندگی دشوار شما زحمتکشان و خانواده هایتان میگذرد و هزاران نفر از بهترین یاران شما، از برادران کارگرتان ، که تنها جرمشان دفاع از حقـوق حقه شماست ، در زندانها و تبعید گاهها و زیر شکنجه‌های طاقت فرسا جان میکنند ، پایکوبی نمائید .

این صحنه سازی مرد آور در کشوری است کـه بدون تـردید امـروز در شمار یکـی از ثروتمند ترین کشور های جهان جای گـرفته است و میتواند تنها بادرآمد سرشاری که از فروش نفت و گاز بدست می‌آورد، در صورتیکه این درآمد برای‌پیشرفت اجتماعی و بهبود زندگـی مردم بکار برده شود ، گام های سریعی بجلوبردارد . ولی شما بخوبی شاهد و گواه آن هستید که بخش عمده این درآمد سرشار ، بجای آنکه برای بهترکردن شرایط کار وزندگی زحمتکشان ایران مصرف شود، برای خرید جنگ افزارهای تهاجمی که بخش مهمی از آن از سلاحهای وازده و بی فایده امپریالیستهای امریکائی وانگلیسی و آلمانی و فرانسوی است بکار میرود، بخشی از آن برای ساختن فرودگاهها و پایگاهها و جاده های نظامی بدور ریخته میشود و بخشی هم برای نگـهداری ارتش و ژاندارمری و پلیس بکار برده میشود که بهیچ وجه تناسبی با بنیه و نیاز ایران ندارد و مأموریت عمده اش سرکوب هر گونه جنبش آزادیخواهانه و حق طلبانه مردم ایران و دفاع‌از منافع امپریالیستها در منطقه اطراف ایران است . کار غارت ثروت ملی ما بابینجا تمام نمیشود . رژیم شاه‌برای تأمین منافع امپریالیستها ، در حالتی که اکثریت‌مردم ایران هنوز از ابتدائی ترین وسایل زندگی ، از مسکن عادی ، خوراك و پوشاك ، بهداشت وآموزش محرومند، میلیاردها تومان‌از ثروت ملی‌ما را برای نجات شرکتها و مؤسسات در حال ورشکستگی امپریالیستی مانند کروپ و نظایر آن بدور میریزد و بسود انحصار های غارتگر جهان خوارمانند شرکت نفت انگلیس، که بزرگترین سهامدار کنسرسیوم غارتگر نفت ایران است ، برای اکتشافات دریاهای دور دست که امید یافتن ذخایرنفت در آنها نا چیز است ، حاتم بخشی میکنند . با همین حاتم بخشی ها و غارتگریهاست که اقتصاد ما با وجود درآمد عظیم نفت دچار بحران جدی شده و اکنون رژیم میکوشد تمام عواقب دردناك این بحران را بدوش کارگران و زحمتکشان بیاندازد .

برای جلو گیری از هر گونه تظاهر نا خشنودی مردم ، برای سر کوب وحشیانه هر گونه حرکت حق طلبانه دستگاه عظیم ترور و وحشت ساواك بوجودآمده است، که با بودجه بی حد وحساب با اختیارات مطلق برای تجاوز به زندگی و ناموس مردم ما به یکی از سیاهترین وبد نام ترین دستگاههای جنایت وآدمکشی در سراسر جهان معروف شده است . در سایه حمایت این دستگاه جهنمی است که همه گونه حقوق صنفی و سیاسی از شما کارگران و زحمتکشان ایران ، که صاحبان اصلی تمام ثروت‌های کشور هستید، گرفته شده و دست سرمایه داران وابسته به انحصار های امپریالیستی و سایر غارتگـران داخلی و خارجی برای چپاول حاصل دسترنج شما باز گذاشته شده است .

استبداد شاه سندیکا های کارگری را به‌دستگاه های پوچ وتو خالی مبدل ساخته است . ساواك‌مأموران خود را بنام نمایندگان کارگران به شما تحمیل میکند و اگر شما در اینجا و آنجا بخواهید نماینده واقعی خود را بر گزینید ، او را بنام اخلالگر و آشوبگـر از کار بر کنار میکند ، بزندان میافکند تبعید و حتی سر به نیست میکند . در سایه همین دستگاه است که‌رژیم مبارزات حق طلبانه شما را ، تا هنگامیکه جدا جدا و بدون همبستگی پهناورعملی شوند، با ددمنشی بینظیری سر کوب میکند، بخون میکشد وبهترین یاران شما را بزندان وتبعید گاه میفرستد . نمونه های کرج ، نساجی شاهی ، چیت سازی تهران ، معادن سمنان ودهها نمونه دیگـر بـرای این واقعیت اجتماعی کشور ما شاهد گویائی هستند .

در سایه همین دستگاه سیاه جهنمی است که گروههای غارتگر داخلی : سرمایه داران بزرگ وابسته به انحصار های امپریالیستی ، بانکداران ، سفته بازان زمین ، مالکان زمینهای بزرگ کشاورزی ، گردانندگان دزد و غارتگر دستگاه دولتی و ارتش ، میلیاردها ثروت ملی را از راههای گوناگون بجیب خود میریزند واگر مجبور شوند در مقابل بالارفتن سرسام آور هزینه زندگی چند تومانی به مزد کارگران و زحمتکشان بیفزایند ،

دنباله در صفحه ۲

پاسخ رفیق آلوارو کونیال

دبیر کل حزب کمونیست پرتقال

به پیام حزب توده ایران

به دبیر اول حزب توده ایران ـ رفیق عزیز ایرج اسکندری !

پیامی را که بمناسبت تجدید انتخاب اینجانب بسمت دبیر کل حـزب کمونیست پرتقال ارسال داشته بودید با تشکـری بسیار صمیمـانه دریافت داشتم . رفیق عـزیز ، از فرصت استفاده میکنم و برای حزب وشخص شما موفقیت بزرگ وسلامتی و سعادت شخصی را آرزومندم . با سلامهای برادرانه

آلوارو کونیال

اظهاریه مشترك

کمیته مرکزی حزب توده ایران و هیئت رئیسه حزب کمونیست آلمان

پیگرد میهن پرستان ایرانی در جمهوری فدرال آلمان بوسیله پلیس مخفی ایران ساواك و«همکاری»این سازمان تروریستی با سازمان اطلاعاتی آلمان فدرال علیه دمکراتهای ایرانی ، که بتازگی افشاء شده است ، بار دیگر بر خطری که هر روزه دمکراتهای ایرانی را تهدید میکند ، برخصلت ضد دمکراتیك رژیم شاه و بر فعالیت سوء سازمان اطلاعاتی آلمان فدرال گواهی میدهد .

چنانکه معلوم است ، ۲۴ سال است یك رژیم دیکتاتوری در ایران حکـومت میکند ، کـه ابتدائی ترین حقوق بشر را از بین برده است . ساواك دیگـر اندیشان را تعقیب میکند ، شکنجه میدهد و میکشد. تعداد زندانیان سیاسی معلـوم نیست ، ولی این تعـداد بین ۲۵ تا ۴۰ هزار تخمین زده میشود . در بین زندانیان سیاسی ، کارگران ، دهقانان ، روشنفکران ، روحانیون، سربازان ، افسران ، زنان ، جوانان و دانشجویان با گرایشهای گوناگون سیاسی دیده میشوند .

بسیاری از زندانیان سیاسی سالهاست که در زندان بسر میبرند ، از جمله : صفر قهرمانی ، که به احتمال قدیمی ترین زندانی سیاسی جهـان است ، ۳۰ سال ؛ محمد عـلی عموئی ، ابوتـراب باقر زاده ، عباس حجری ، تقی کی منش و رضا شلتوکی (اعضاء سازمان افسری حزب توده ایران) ۲۲ سال ؛ علی خاوری ، مبارز برجسته و عضو حزب توده ایران ، غنی بلوریان ، دکتر بنی طرفه ، بدرالدین مدنی ، علی نارشیزی ، حمید قلم نریمان ، عزیز یوسفی بیش از ۱۰ سال .

بسیاری از زندانیان‌سیاسی که دوران«محکومیت» خود را بپایان رسانده اند ، همچنان در زندان بسر می برند ، از جمله : صابر محمد زاده وآصف رزم‌دیده. در چهار سال اخیر بیش از ۶۰۰ نفر به اشکال مختلف توسط ساواك بقتل رسیده اند .

این ومنع تحمل ناپذیر تقویت همبستگی افکار عمومی دمکراتیك را با مبارزه مردم ایران علیه دیکتا توری و ترور سیاسی ، برای دمکراسی ، آزادی وحقوق بشر ضرور میسازد .

حزب توده ایران و حزب کمونیست آلمان علیه ترور ساواك در ایران و فعالیت مخرب آن در جمهوری فدرال آلمان بشدت اعتراض میکنند و از حکومت فدرال آلمان میطلبند که فعالیت این سازمان تروریستی را علیه دمکراتهای ایرانی در جمهوری فدرال آلمان ممنوع سازد .

حزب توده ایران و حزب کمونیست آلمان

دنباله در صفحه۲

www.iran-archive.com

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران . . .

با بالا بردن چند برابر بهای لوازم مصرف ، کرایه مسکن و خدمات درمانی و بهداشتی ، آنرا دو باره باز میستانند .

شاه و نوکران چپاولوسش هر روز اعلام میکنند که درآمد ملی سرانه میهن ما بمیزان زیادی بالا رفته و به سرعت رشد میکند . این درست است . با بالا رفتن بهای نفت و گاز صادراتی و با کار طاقت فرسای شما زحمتکشان ، هر سال ثروت بیشتری در کشور ما تولید میشود . ولی این ثروت عظیم تولید شده چگونه بین غارتگران و غارت شدگان یعنی بین تاراجگران امپریالیستی و گردانندگان رژیم از یکسو و شما زحمتکشان از سوی دیگر تقسیم میشود ؟ و از درآمد ملی به شما چه سهمی میرسد و به غارتگران و نوکران شان چه سهمی؟

در حالیکه کرایه یك اطاق بدون برق و آب در تهران از چند صد تومان تجاوز کرده است ، مزد یك کارگر عادی در کارخانه و یا یك آموزگار وحتی یك پاسبان از هزار تومان کمتر است . شما امروز مجبورید بمراتب سهم بیشتری از درآمد خود را برای کرایه خانه بپردازید . شما و فرزندانتان امروز بمراتب کمتر از ده سال پیش که درآمد کمتری داشتید ، و در آمد ملی ایران یك دهم درآمد کنونی بود ، به گوشت دسترسی دارید . زندگی اکثریت کارگران و زحمتکشان شهر و روستای ایران ، با وجودیکه مزد و درآمد شان باصطلاح از جهت اسمی بالا رفته است ، در واقع دشوار تر از گذشته است و کسانیکه در وضع مادیشان بهبودی پیدا شده ، این بهبود بهیچوجه متناسب با رشد عظیم ثروت و درآمد ملی ایران نیست. همه شاهد آن‌هستید که ثروتمندان با سرعتی خیره کننده بر ثروتشان میافزایند و این ثروت را بجای آنکه بکارهای تولیدی در ایران صرف نمایند به کشور های امپریالیستی منتقل میکنند و یا در لندن وپاریس واسپانیا و امریکا خانه وسهام‌میخرند. طبق آمار رسمی دولت ، تنها در سال گذشته بیش از ۱۴ هزار میلیون تومان بصورت ارز از کشور خارج‌شده است و این غیر از دهها هزار میلیون تومان دیگری است که شاه و خانواده غارتگرش بهمدستی سایر مزدوران و نوکرانشان از معاملات خرید اسلحه و خرید وسایل مصرفی و خرید های دیگر بعنوان حق و حساب گرفته و در بانکهای خارجی انباشته اند .

در مقابل این ثروت روز افزون ، عیدی امسال غارتگران برای شما کارگران این بود که با هزار حقه بازی وبا تکیه به آدمکشان ساواك ، وزارت کار و سرمایه داران توطئه ای را که مدتها بود نقشه اش را میکشیدند ، عملی کردند و سود ویژه را که در واقع خودبخشی از دستمزد شما بودکه تحت این عنوان فریبنده میپرداختند ، و این خود یکی از نیرنگ های رژیم بود ولی تا حد ناچیزی مزدهای کم شما را ترمیم میکرد بمقدار زیاد محدود کردند .

برقراری سود ویژه و تحمیل اضافه کاری دو نیرنگ غارتگران است که بوسیله آنها استثمار کارگران را هرچه بیشتر شدت‌میدهند : بنام اضافه کاری کارگران را مجبور میکنند بجای هشت ساعت کار ، که در قانون ظاهراً برسمیت شناخته شده ، ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار کنند و با کمك «سود ویژه» کارگران را مجبور میکنند تا بامید اینکه در آخر سال چیزی از سود ویژه بدست آنها برسد ، از اعتصاب خودداری نمایند و با تحمل فشار هرچه بیشتر بازدهی کار را بالا برند . ولی استثمارگران حالا حتی به این نیرنگ ها هم دیگر احتیاج ندارند . آنها سیاست غارتگرانه خود را در جهت تشدید هر چه بیشتر استثمار ، یعنی بالا بردن بازدهی کار و پائین نگهداشتن و حتی کم کردن مزد کارگران باز هم شدید تر دنبال مینمایند .

عملی کردن این توطئه یکبار دیگر بروشنی نشان میدهد که رژیم ضد کارگری و ضد دمکراتیك کنونی تا آنجا که دستش برسد شیره کارگران و زحمتکشان را خواهد کشید . برای خاتمه دادن باین افسار گسیختگی راه دیگری جز اتحاد و مبارزه پیگیر کارگران و زحمتکشان وجود ندارد .

رفقای کارگر ، زحمتکشان شهر و روستا !

تنها و تنها نیروی متحد و مبارزه پیگیر شما است که میتواند به این افسار گسیختگی رژیم غارتگر لجام زند و خواستهای حقه شما را که صاحبان واقعی و تولیدکنندگان اصلی همه ثروتهای کشور ما هستید تأمین کند . هیچ نیروی دیگری در کشور ما نیست که بتواند شما را از این درد و رنج رهائی بخشد ، برای شما و خانواده هایتان زندگی قابل تحملی بوجود آورد ، به دربدری صد ها هزار دهقان بی زمین و کم زمین که بعنوان کارگر موسمی دور از خانواده خود ، در شهر ها و راهها جان میکنند ، و در کوچه ها و خیابانها و بیغوله ها روی زمین میخوابند ، پایان دهد و برای شما و خانواده تان شرایط زندگی و کار مناسب و خدمات پزشکی لازم را فراهم کند و آموزش فرزندانتان را برای کار و زندگی فردا تأمین نماید .

زحمتکشان زن !

شما که درشرایطی بسی دشوارتر از زحمتکشان مرد رنج میبرید و در مقابل کار طاقت فرسا مزد بسیار ناچیزی ، که بمراتب از مزد نازلی مردان هم کمتر است ، دریافت میدارید ، تنها با مبارزه پیگیر وهمگام با نیروی متحد سایر زحمتکشان میتوانید به این وضع رنج آور پایان بخشید .

روشنفکران زحمتکش ، آموزگاران و کمك آموزگاران شهر و ده ، کارمندان خرده پای مؤسسات اقتصادی و دولتی ! شما که بکار شرافتمندانه خود تکیه دارید ونمیخواهید خود را با فساد عمومی‌دستگاه های دولتی و اقتصادی آلوده سازید ، شما که در همه جا با زندگی زحمتکشان در تماس هستید ، شما که خود از محرومترین اقشار اجتماعی هستید ، شما نیز تنها با اتحاد با کارگران و زحمتکشان و با مبارزه متحد و پیگیر میتوانید بطور مؤثری در این نبرد برای احقاق حقوق خود شرکت ورزید . از آنجا که اتحاد وتشکل شرط ثمربخشی در مبارزه است لذا شعار روز کارگران و سایر زحمتکشان شهر و روستا و همه روشنفکران زحمتکش چنین است :

«متحد شویم ! سازمان یابیم ! مبارزه کنیم !»

تنها و تنها با عملی ساختن این شعار عمومی است که شما کارگران و زحمتکشان ایران‌میتوانید نیروی‌عظیم‌و شکست ناپذیری را که دراختیاردارید آمادهٔ نبردسازید .

برادران کارگر و زحمتکش !

نیروی شما عظیم و شکست ناپذیر است . دشمنان شما ، دشمنان خلق ، دشمنان آزادی واستقلال ملی به این واقعیت واقفند و از نیروی متحد و سازمان یافته شما هراسناك اند و از همین رو میکوشند در شما احساس ناتوانی بوجود آورند تا شما در برابر آنان‌بزانو درآئید و اراده پایداری و مبارزه را از دست بدهید .

طبقه کارگر ایران اگر متحد و متشکل شود نیروی شگرفی است که هر روز ، هم از لحاظ کمیت وهم ازلحاظ آگاهی ومبارزه جوئی‌اش درحال رشدسریع است . سرمایه‌داری‌ایران‌برای بهره کشی بوجود وافزایش طبقه کارگر نیازمند است . سرمایه داری ایران درمرحله کنونی‌بدون افزایش تعداد کارگران نمیتواند رشد کند. رشد کمی و کیفی طبقه کارگر پایه و اساس هرگونه تحول بنیادی جامعه ایران است . هر اندازه شما زودتر و عمیقتر به‌نیروی شکست ناپذیر اتحاد پی ببرید و به سازماندهی آن بپردازید ، همانقدر زودتر خواهید توانست بدردها و دشواریهای کنونی خود پایان بخشید .

نیروی شما کارگران به مرز های ایران محدود نمیشود . همدردی بین المللی زحمتکشان ، امروز به نیروی بسیار عظیم و موثری تبدیل شده است .

مبارزات طبقه کارگر در کشورهای مختلفی که سرمایه برآن تسلط دارد ، مبارزه خلقها در کشور های «جهان سوم» از آنجمله در ویتنام ، لائوس ، کامبوج ، آنگولا ، موزامبیك و گینه بیسائو نشان داد که در شرایط کنونی جهان ، اگر نیروی عظیم زحمتکشان بانیروی عظیم خلق یك کشور متحد شود ، سازمان یابد و در میدان نبرد گام گذارد ، توانائی آنرا دارد که با یاری زحمتکشان سایر کشورها ، نه تنها سیاهترین‌ارتجاع داخلی ، بلکه حتی ارتشهای عظیم مداخله جوی امپریالیستی مانند ارتش ششصد هزارنفری امریکا و ارتشهای پرتقالی و مزدوران فاشیست را بزانو در آورد ، از میهن خود بیرون براند وپرچم حاکمیت خلق را بر فراز کاخ های غارتگران داخلی و خارجی به اهتزاز در آورد .

اینست قانون عمومی تحولات جهانی در دوران ما ، قانونی که بدون تردید میهن ما راهم در برمیگیرد.

کارگران مبارز ، زحمتکشان پیشرو شهر وروستا!

از اتحادیه های موجود واز قوانین و آئین‌نامه‌ها و تعهدات موجود دولت وکارفرمایان و از همه امکانات علنی برای‌پیشرفت منافع کارگران وزحمتکشان ماهرانه وبحد اکثر استفاده کنید . در کارخانه و کار گاهی که کار میکنید ، بکوشید بامراعات اصل پنهانکاری ، بطوریکه مأموران خون آشام ساواك در نیابند ، با همکاری بهترین کارگران آماده برای مبارزه ، هسته های فشرده برای فعالیت در میان کارگران بوجودآورید ، که کارگران رادرمبارزات صنفی‌سندیکائی‌راهنمائی نمایند.

دامنه اتحاد را گام بگام ، و باز هم باررعایت همه اصول پنهانکاری ، از مرزهای کارخانه هاوکارگاهها به هزاران واحدتولیدی دیگر در شهر وروستا گسترش دهید .

در جریان کوشش برای اتحاد بکوشید این‌اتحاد رابین همه نیروهای زحمتکشان بوجود آورید ، صرفنظر از اعتقادات سیاسی ومذهبی شان ، صرفنظر از وابستگی یا هواداری شان از این یا آن گروه ، این یاآن روش سیاسی . اتحاد همه زحمتکشان پایه اتحاد همه خلق است .

هر گاه که‌شدت ناخشنودی کارگران‌وزحمتکشان در اینجا و آنجا آنانرا برای مبارزه آماده میکند ، با در نظر گرفتن همه عوامل و شرایط مساعد و نا مساعد با یافتن ثمر بخش‌ترین شکل مبارزه ، با تمام قوا آنها را بسوی چنین مبارزه ای سوق دهید . بکوشید این مبارزه مورد همبستگی و همدردی و پشتیبانی دیگر واحد های کارگری و مردم قرار گیرد . در جریان تدارك و انجام یك نبرد صنفی ، کارگران را به‌واقعیت اجتماعی کشور ، یعنی به همبستی و همکاری سرمایه داران غارتگر با رژیم استبدادی و افزار های آن ، ساواك و وزارت کار ، آگاه سازید و بکوشید آنانرا برای شرکت در مبارزه برای آزادیهای دمکراتیك‌آماده کنید . مبارزه برای آزادی های دمکراتیك در چهار چوب جبهه ضد دیکتاتوری ، بدون شرکت فعال کارگران و زحمتکشان ، قابل تصور نیست .

رفقای کارگر ، برادران زحمتکش شهر و روستا ، روشنفکران زحمتکش !

بکار بستن رهنمودهای مندرجه در این پیام که درستیش در تمام مبارزات دیگر خلقها و همچنین خلقهای‌میهن خودمان بارها تأیید شده است ، کارآسانی نیست . بویژه در شرایط کنونی حاکمیت استبداد سیاه سیاسی ، این راهی است بس دشوار . ولی این را هم باید دانست که این راه با همه دشواریش یگانه راهست و وظیفه تاریخی مبارزان است که با از خود گذشتی و فداکاری پا بمیدان گذارند وبه زحمتکشان کمك کنند تا این یگانه راه را به‌بینند و بدرستی آن معتقد شوند و مبارزه را آغاز کنند .

متحد شویم ، سازمان یابیم و مبارزه کنیم !

اینست شعار همه زحمتکشان و آزادیخواهان و میهن پرستان !

بکوشیم تا این یگانه شعار راستین را هر چه زود تر و هر چه‌دامنه دارتر تحقق بخشیم .

در باره مناسبات اتحاد شوروی با . . .

بخوبی بیاد دارم که رهبران اتحاد شوروی در مذاکرات خود با رهبران مصر بیشتر به تشریح مسائل داخلی و تجارب کشور خود توجه داشتند و به مصاحبان خود امکان میدادند که خودشان از این تجارب نتیجه‌گیری نمایند . آنها اوضاع داخلی کشورهای عربی را مورد بحث قرار نمیدادند ، مگر در مواردیکه رویدادهای جهان عرب بررسی این اوضاع را ایجاب میکرد . من بخاطر دارم که رهبران اتحاد شوروی با پرزیدنت سادات هم در باره اوضاع داخلی مصر صحبت بمیان نمیآوردند و حتی به اتهامات و حملاتی هم که هرچند گاه از جانب محافل یا مطبوعات مصری علیه اتحاد شوروی انجام میگرفت اشاره‌ای نمیکردند .

تجارب اتحادشوروی برهبری مصر کمك میکرد که به پدیده های مهم توجه لازم را داشته باشد . من گفتگوی خود را با پرزیدنت ناصر هنگام یکی از مسافرتها به‌اتحاد شوروی در هواپیمای جت مسافربری اتحاد شوروی خوب بخاطر دارم . گفتگو در این باره بود که تجارب اتحاد شوروی بسیار آموزنده وشایان توجه عمیق است ، اتحاد شوروی در زمینه‌های گوناگون زندگی کامیابیهای شگرفی بدست آورده ، بویژه در چنین مناطقی مانند سیبری ، کازاخستان ، آسیای میانه وبطورکلی در سراسر کشور ، اتحاد شوروی که در گذشته کشوری عقب مانده بوده از ایالات متحده پیشی گرفته بویژه درپژوهشها وپرواز های کیهانی ودر بسیاری‌دیگر از زمینه ها .

پرزیدنت ناصر براین عقیده بود که ، درتحلیل آخر مصر مسلماً فقط با پشتیبانی و کمکهای اتحاد شوروی میتواند به اهداف خود نایل آید . این مطلب برای‌پرزیدنت ناصر یك حقیقت مسلم بود . اواطمینان داشت که اتحاد شوروی تسلیحات لازم را برای مبارزه در اختیار مصر خواهد گذاشت . ضمناً پرزیدنت ناصر واقف بود که عوامل و اوضاعی وجود دارد که نباید آنها را از خاطردور داشت . ازجمله اینکه میدانست که اتحاد شوروی به افکار عمومی محافل اجتماعی توجه دارد . اتحاد شوروی وظیفه‌خود را تنها در این که به خلقها کمك کند ، بلکه میکوشد عا و پشتیبانی خود را تشریح کند و نشان ب کمك و پشتیبانی از جانب آن بحکم شرایط لازم و ضروری است .

حسنین هیکل درپاسخ به این پرسش که بنظر شما روابط مصر واتحاد شوروی بر چ باید برقرار شود ، اظهار داشت:یکی از مشکلا مصر با اتحاد شوروی آنستکه این روابط بطور تماسهائی در سطح بالا محدود بوده اکثریت هی نمایندگی مصر که ازاتحادشوروی دیدن نتوانسته اند با نظر واقع بینانه به واقعیت بنگرند . اعضای این هیئت های نمایندگی ت برای خود روشن سازند که چه چیزی در واقعیت شوروی ، که اختلاف طبقاتی در آن از میا نهفته است .

حسنین‌هیکل اظهار داشت «منطق» کارزار که پس از جنگ اکتبر در مصر علیه اتحاد براه انداخته شده برای من کاملا نا مفهوم است من در جنگ اکتبر ما توانستیم کامیابیهای چش بدست آوریم بویژه از نقطه نظر نظامی . این در پرتو دو عامل بدست آمدند ، ارتش وتسلیحا تسلیحاتی که در عملیات جنگی عبور از کانال عملیات بعدی موفقیت آمیزآن بکار برده شد ، ت بود که اتحاد شوروی در اختیار مصر گذارد بدینجهت دور از انصاف و خلاف هر گونه منط که جنگ‌اکتبر مورد ستایش قرار گیرد و در نقش و اهمیت کمکهای اتحاد شوروی در س داده شود .

یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های پستی‌در ضداتحادشوروی‌تلاش برای کم اهمیت‌جلوه‌دادن‌ سد آسوان است واین در صورتی است که سد یگانه واحد بزرگ اقتصادی در مصر است که غرب و هم در شرق از جانب کارشناسان از نظر ساختمانی و اقتصادی مورد بر رسی دقیق قرار و مثبت ارزیابی شده است .

هدف این کارزار تبلیغاتی در مورد آسو خرابکاری و اخلال در روابط دوستانه . مصر و شو بی اهمیت جلوه دادن کمکهای شوروی بمصر ن بلکه تلاشی‌است برای بی‌ارزش کردن‌نقش‌خود ا که از ساختمانهای افتخار آفرین برای همه خلق است . در اقتصاد کشور کوشش میشود ا ساختمان این سد در اعتماد و ایمان خلق مصر و وامکانات خودبرای انجام کارهای بزرگ خلل وار حسنین هیکل در پاسخ به این پرسش خبر نگ آیا شمانسبت به چشم انداز بهبود وتوسعه روابط اتحاد شوروی خوش بین هستید ؟ اظهار داشت م میکنم که نیروی ترقیخواه را در مصر نمیتوان برد و یا آنها را بزانو در آورد . البته امکان آن دارد که در راه پیشرفت این نیرو ها موانعی ا ولی دیگرمصر را نمیتوان به دوران گذشته باز بدینجهت من در مورد بهبود روابط مصر واتحاد خوش بین‌هستم . من نیروی دیگری را در صحنه نمی بینم که بتواند در امر پشتیبانی از جنبش خلقهای عرب با توجه به محتوی اجتماعی و سیا جنبش ، جایگزین اتحادشوروی شود .

اتحاد شوروی بدون تردید بهترین دوست حتی اگر مسئله را تنها از نقطه نظر انتخاب م زمینه تأمین امنیت خود در نظر بگیری مورد رشد و تکامل اقتصادی ما نیز این مطلب صادق‌است‌وهیچ کشوردیگری‌نمیتواندبرای ماجا اتحاد شوروی بشود . این واقعیت روشنی است « صلح بشیوه اسرائیل » با تصوری که ما از واقعی داریم کاملا متفاوت است و بهمین علت اتحاد شوروی نیاز داریم .

ح . ق

اظهاریه مشترك

قطع شکنجه ، آزادی زندانیان سیاسی ، انحلال و تأمین آزادیهای دمکراتیك و حقوق بشر را مردم ایران میطلبند .

حزب توده ایران و حزب کمونیست آل افکار عمومی دمکراتیك در جمهوری فدرال آلم فرامیخوانند که به این اعتراض و به این خواس بپیوندند و همبستگی خود را با مردم ایران ک راه آزادی خود مبارزه میکنند ، گسترش دهند

www.iran-archive.com